هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

«فوق العاده» — سال سوم، شماره ۴۳، ۴ شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۷

حماسهٔ اتحاد و قیام خلق

تظاهرات خیره کننده چند میلیون نفری مردم ایران علیه رژیم استبدادی وضد خلقی شاه، حادثهٔ عظیمی است که پایان یک دوره برگشت ناپذیر را در تاریخ معاصر میهن ما اعلام می کند. این حادثه که شهرها را به آتیانوس پر موج وتلاطم انسانی، به جنگل سرسبز رونده ای از مشت های گره کرده بدل کرد، به روشنی نشان داد که موازنه نیروها در جامعهٔ ایران به شدت به هم خورده وشیوه های حکومتی، نظام سیاسی واقتصادی حاکم، در برخورد با واقعیت ها و ضرورت ها، ناتوان واغلیج و پوسیده از آب درآمده ولزوم تغییروتحول بنیادی درهمه سطوح وشئون اجتماعی وسیاسی واقتصادی وفرهنگی، مبرم ترین وتخطی ناپذیرترین واقعیت روزاست...

تاریخ معاصر ایران روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه را به عنوان روز حماسه توده های قیام کنندهٔ ایران که با دستهای خالی پشت رژیم ضد ملی، ضد دموکراتیک ووابسته به امپریالیسم جهانخوار ایستادند و این طریقه هزارچهره را در انظار جهانیان رسوا و عریان کرد ثبت خواهد کرد. در این روز آنچه که در تئوری وآرزو وسخن جست و جو می شد، واقعیت یافت ومردم درخشم ورنج وقیام خود یگانه شدند. همه قشرها وطبقات وگروه ها وسازمان های ضد سلطنت مطلقه، ضد رژیم اختناق وغارت وسرنیزه، صرف نظر از اختلافات عقیدتی ومسلکی، علی رغم جدایی های طبقاتی وفکری وسیاسی ومذهبی، به هم پیوستند و نیروی جاودانه وسیمبالک این پیوند خلقی را نمایش دادند.

تظاهرات وراه پیمایی عظیم روز ۱۳ شهریور با ویژگی های انقلابی و شعر بخش خود، حاوی درسها و سرمشق های آموزنده وگرانباری است. پیشاپیش جنبه های مختلف و آموزنده این حادثه، این معنی برملاش شود که چه قدرت وحرکت عظیمی در پشت سدهای دیکتاتوری محبوس مانده است، قدرت وحرکتی که از جرأترین ارتش ها کارسازتراست؛ واگر در مسیر مناسب خود افتد، هرصخره و کوهی را ازپیش پر می دارد. در این نیرو وحرکت می توان تولد وجهش و آفرینندگی تازه ای را با اعتماد وایمان تدارک دید...

وجوه گوناگون تجربه شورانگیز ۱۳ شهریورماه را بررسی کنیم:

۱- نظم بی نظیر تظاهرات مردم با همه دامنه های گسترده آن نشان داد که بلوغ سیاسی وفرهنگی خلق های ما در چه مرتبه تحسین انگیزی است ونشان داد که مردم در تظاهرات سیاسی واعتراضی خود شیشه نمی شکنند، سینما آتش نمی زنند، به کیوسک تلفن ودرود یوار ساختمان ها هجوم نمی برند. بنابراین ماجراجویی ها وحادثه آفرینی هارا نه در خشم وخروش مردم، بلکه درتوطئه ها و خرابکاریهای عمال ساواک، جاسوسان و مزدوران رژیم باید جست وجوکرد. چرا که این گونه اقدامات تنها به دشمن خدمت می کند و به او امکان میدهد که جنبش پر توان خلق را در انظار مردم جهان بدنام کند وزمینه سرکوب خونین و ددمنشانهٔ آن را فراهم آورد.

۲- تظاهرات وراه پیمایی تاریخی مردم ایران در روز ۱۳ شهریور در اکثر شهرها مؤید این حقیقت است که این مردم نیستند که باعث به خاک وخون کشیده شدن نمایشات اعتراضی واجتماعات مخالف رژیم می شوند. وقتی مردم خود نظم میتینگ های میلیونی خویش را برعهده داشتند - هرجا که گرازهای مسلح رژیم دخالت وشرارت کردند - نه از یک بینی خون آمد، نه دست وسری شکست ونه سنگی پرتاب شد وچوبی بالا رفت. مردم برای ابراز خواست های حقه وسیاسی خود، زبان مناسب را می شناسند. اما تنها کارانی که نمی خواهند این صدای حقیقت و مردمی به گوش ها برسد، در طنین گلوله های خود، در هجوم تانک ها و زره پوش های خود، می کوشند این صدای برحق را خاموش وسحو سازند.

۳- نمایش عظیم خلق های ایران نشان داد که رژیم شاه تا چه حد منزوی وبی پایگاه است. سال ها دروغ وریاکاری وتبلیغات پر سر وصدا، در طی یک نمایش ۱۶ ساعته طی شسته شد واین دعوی شاه که "تنها چند نفری هستند که به مخالفت برخاسته اند" به صورت بزرگترین کذبی سال در برابر انظار جهانیان ظاهر شد. جهانیان دانستند که بین شاه ومردم صفی به طول ۳۵ میلیون نفر فاصله است وآن کس که در سنگر شاه است، به سوی خلق های ایران آتش می گشاید.

۴- تظاهرات میلیونی توده ها، پیوند درونی وجدایی ناپذیر ارتش را به مثابه جزئی از پیکر خلق تائید کرد. تظاهرکنندگان با شعارهای "برادر ارتشی، چرا برادرکشی؟" وجدان برادران نظامی خود را در برابر یک سوال بزرگ قرار دادند و آن ها را به یک تجدید نظر، یک بررسی و تعمق دوباره دعوت کردند. وقتی ده ها هزار دهان، فریاد زد "ارتش تو مال مائی"... و هزاران دست، هزاران شاخه و حلقه گل را به سوی سربازان و به گردن آنان انداخت، چهره سربازان و بسیاری از افسران شریف غرق اشک شد. مردم به روی نظامیان آغوش گشودند و فریاد زدند:

- سرباز تهی گناهی، اسیر دست شاهی.

- برادر ارتشی، چرا برادرکشی؟

و برادران ارتشی در آغوش مردم خود گریستند و با آنها همصدا شدند. مردم افسران را بر سر دست بلند کردند. در آن گرمای سوزان تابستانی دست های خلق به آنها آب خنک وشربت دادند. لبخند های غرق در اشک مردم به صورت آنها پاشیده شد وصداهای بغض کرده، فریاد زدند:

- لوله های تفنگ را به سوی دریا برگردانید. ما وشما همه خصوصی نداریم، دشمن مشترک ما ومیهن ما آنجاست...

خیابانها صحنهٔ ملاقات تازهٔ ارتش وخلق شد. دوستان و برادران دوباره یکدیگر را یافتند.

۵- خلق های ایران پس از سالهای نسبتاً مدید دوباره خود را یافتند و نیروی لایزال خویش را کشف کردند. آنها در اتحاد و همگامی خویش به معجزه ای دست یافتند که با تکیه بر آن شکستن دیوارهای قطور استبداد فرتوت سلطنتی و واژگون کردن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه امری قطعی وبدیهی به نظر می آید.

و سرانجام، سیلی که در روز عید فطر به جریان افتاد، نمی تواند امواج نیرومند تروکننده تری را در پشت نداشته باشد. این نخستین موج های توانا و سازنده انقلاب است که برمی خیزد...

برخی از خصوصیات جنبش انقلابی ایران

در حالی که رژیم با عربده ها وادعاهای آزاد یخواهانه، گوش ها را کرکرده، مرغ ها ومزدوران شاه، با آتش وگلوله و سرنیزه، مردم بی سلاح را در شهرها وروستاها قتل عام می کنند. تنها در هفته های اخیر بورش سبعانه به تظاهرات و اجتماعات مسالمت آمیز مردم که علیه استبداد ایران برپا بوده دودمان پهلوی وعناصر اختناق و فساد سیاسی واقتصادی واجتماعی، قیام کرده اند، صدها شهید برجای نهاده است. این خون های گرامی - این شکوفه ها وشقایق های آزادی - آخرین امواج دریای خونی نیست که رژیم خود کامه ولرزان شاه در ماههای اخیر شهرهای میهن زخمدیده ما را در آن غرق کرده، به همان نسبت که جنبش انقلابی خلق های ایران طغیان و گسترش بیشتری می یابد، زخیم تا جدار ایرهای جنایات بزرگتر و ریختن خون های بیشتر که به خیال او بتواند تاج و تخت غرقه در نکبت وتباهی او را نجات دهد، تدارک می بیند. اولین موج های سهمگین انقلاب به تلاطم افتادهٔ انقلابی که در آن توده ها، مناسب ترین شیوه ها و تاکتیک های مبارزه را می یابند و به کار می گیرند و طی رغم ضعف نسبی سازمان های سیاسی - با ابتکارات خلاقه، با دلاوری رعب انگیز و توشه گیری از تجربیات مبارزاتی خلق های ایران در طول تاریخ پرنیج ورنج معاصر، اصلی ترین هدف ها و آماج ها را با بی گیری تزلزل ناپذیری نشانه گرفته است. جنبش چنین وسیع، توده ای ومبارزه جوئه در یگانگی ملی خود صدای تمامی طبقات و اقشار ضد سلطنت مطلقه، دموکراتیک و ضد امپریالیستی را به طنین پرخروشی در آورده است، در طول تاریخ چند صد ساله اخیر ایران همتا وسابقه ندارد. این جنبش انقلابی که مصمم به واژگونی بنیاد های پوسیده سلطنت قرون وسطایی وعناصر ضد ملی و خشونت آمیز و ارتجاعی آنست، نه تنها در شهرهای بزرگ، نه تنها در شهرهای دورافتاده، بلکه به دهات و آبادی های دور دست نیز سر ریشه دار است. ویژگی این جنبش گسترده و انقلابی بهره گیری ماهرانهٔ آن از سنت های ملی وانقلابی ومذهبی و تکیه داشتن بر این ویژگی هاست. در شرایطی که به طلا گونه کون، واز آن جمله دیکتاتوری وحشیانه و لجام گسیخته وسرکوب کننده، سازمان ها واحزاب و ارگان های ملی وسیاسی نتوانستند مناسب با رشد جامعه وطبقات ونیروهای مترقی و ضرورت های سیاسی واجتماعی توسعه یابند، جنبش خلقی ایران این ضیقه و کمبود را با استفاده از امکانات خاصی که مذهب ومؤسسات پیوسته به آن به طور طبیعی از آن برخوردار است، تا حدی جبران کرد. مذهب با سنن مشخصی که همراهان آن را با اقشار وسیعی از مردم در رابطه قرار می دهد، با برخورداری از تریبون منبر که در موقعیت سانسور و اختناق نقش بارزتری کسب می کند، با داشتن مراکز تجمع و تبادل عقیده ونظر وتصمیم گیری، نظیر مسجد و غیره راهی را گشود که در برخورد با رویه های سخوف پهلوی و سرکوب پلیسی کارآمدی بسیار از خود نشان داد. این در وضعی بود که از یک سو اقشار وابسته به مذهب که عدتاً خرده بورژوازی واقشار تحتانی بورژوازی بودند، زیر شدید ترین ضربات حکومت ضد ملی سرمایه داران کلان و زمین داران بزرگ (که درهم پیوندی با امپریالیسم جهانخوار هستند)، مواضع اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را در شرف اضمحلال سریع می دیدند و در انفجار نارضایی ها و تضادهایی که با رژیم و شیوه های حکومتی آن داشتند، به میدان مبارزهٔ مرگ وزندگی رانده میشدند وازسوی دیگر کارخانه ها وکارگاهها و مراکز کارگری که بیشترین نیرو های انقلاب وتحول را در خود داشتند، چون دژهای نظامی و سرباز خانه ها به شدت کنترل می شدند، هرحرکت و تظاهر کارگری با گلوله در خون غرق می شد و سندیکاها و اتحاد به های کارگران وزحمتکشان با دخالت مستقیم وعریان وخشن ساواک وپلیس از محتوی ووظیفه اصلی خود دور افتاده بودند. سرازیر شدن توده های وسیع روستایی از دهات به شهرها وجای گرفتن بسیاری از این آوارگان روستا در کارخانه ها وکارگاه ها، خود به تکوین طبقه کارگر ایران را رفیق کرده بود. چرا که رانده شدگان زمین وروستا، خصلت های دهقانی، محافظه کاری، خرده بورژوایی را با خود به مراکز صنعتی وکارگاهی شهرها آورده بودند و زمان لازم بود تا این کارگران تازه، با تجربه مستقیم خود، در مناسبات استثمارگرانه کارومزمایه، در زیر فشارها و تضادهای شدید اقتصادی و آنگاه سیاسی، به حقوق و آگاهی های طبقاتی خود واقف شوند و رسالت تاریخی و پیشتازی انقلابی خود را بر عهده بگیرند.

در این اوضاع واحوال، پخش مهمی از روشنفکران انقلابی به جای ایجاد رابطه با طبقهٔ صفاً انقلابی کارگر، به جای این که در مبارزات صنفی و اقتصادی آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم شرکت کنند و این مبارزات مطالباتی را به مبارزات سیاسی ارتقاء دهند، به جای این که تئوری وجهان بینی علمی وانقلابی طبقه کارگر را به میان این طبقه ببرند و رواج دهند وسرانجام به جای هرگونه کارتبلیغی و ترویجی که می بایست زمینه فعالیت سازماندهی آینده زمان کارگران - به ویژه کارگران متمرکز ترین وپیشرفته ترین صنایع - می شد، به نبرد تن به تن با گزمه ها و داروغه های رژیم پرداختند و در ازای گرفتن جان تنی چند از این پست فطرت های بی ارزش، خون صدها تن از دلیرترین وفداکارترین مبارزان انقلابی را به خاک ریختند و زندان ها وشکنجه گاه ها را با هزاران تن از آنان انباشتند.

این کمبود ها، این ویژگی ها، این بیراهه زدن ها که خود به نحوی موجب ضعف سازمان های واقعاً انقلابی و از یدگاه دیگر تا حدی تحت تاثیر ضعف این سازمان ها بود، زمینه را برای ابتکار عمل وفعالیت خرده بورژوازی واقشار وابسته به کال بورژوازی طی مهیا کرد به آنان امکان داد تا با استفاده از مقدورات طبیعی و امتیازات ویژهٔ خود، دیگر زحمتکشان وحتی قسمت های بزرگی از پیکر طبقه کارگر را به دنبال خود بکشند وفضای اجتماعی را با ایدئولوژی خاص خود، منتهی در اشکال مختلف وزیر پوشش های گوناگون، سرشار کنند.

جنبش انقلابی ایران با این خصوصیت گسترده شد، در خون ورنج مبارزان خود راهها وروش های مختلف را تجربه کرد، شعارهای مناسب خود را یافت، ضعیف ترین حلقه های زنجیر حکومتی را نشانه گرفت، اصلی ترین وعمده ترین هدف های سیاسی را در برابر خود قرار داد و پر سخنور آن بود امنه ترین تبلیغات و افشاگری ها را انجام داد. مرحله به مرحله بر نقاط ضعف خود به طور نسبی چیره گشت، چپ روی ها، خرابکاری ها، ماجراجویی ها وحتی انحرافات گاه وبیگاه را که طبیعت جنبش های چنین گسترده وفاقد سازمان سیاسی سراسری است، کاهش داد وبا این موفقیت ها هم دست خرابکار ساواک وتوطئه گران رژیم را در خرابکاری ها وصحنه سازی هایی که به حساب جنبش انجام می دادند روکرد وتا حد زیادی خنثی نمود وهم توجه عناصر کم تجربهٔ درون جنبش را که در توفان خشم و عصیان شتابزده خود به سوی این کجروی ها می گرایند، معطوف به اصلی ترین ومبرم ترین هدف ها ساخت.

... وباینک مهمترین دست آورد جنبش پر دامنه وانقلابی ایران در بدو پیدایش متقابلی است که با طبقه کارگر - این موتور نیرومند و متحرک همهٔ دگرگونی های اساسی وانقلابی - برقرار کرده است. جنبش سراسری در دیوارها وسدهای دیکتاتوری خشن و خونریز رخنه می اندازد. هر روزنه ای که در این دیوار قطور وارد می شود، امکان ارزشمندی است که به خدمت کارگران درراه حصول به خواست های مطالباتی وسیاسی شان درمی آید. در وضوح کارگران با پیوستن به جنبش، آن را عمیق تر و مهاجم تر می کنند، به آن استمرار می دهند و افق هایش را می گسترانند. در این رابطه فعال و دوجانبه، کارگران که درحال حاضر عدتاً در موج های جنبش حل شده اند وبه طور پراکنده و انفرادی خود را به خدمت آن گمارده اند، مجال مناسب تری می یابند تا به صورت طبقه ای مستقل، با خواست ها و آرمان های ویژه خود، متشکل شوند وبا اطراف حزب سیاسی خود گردآیند وبه عنوان طبقه ای متمایز وانقلابی در جنبش عمومی خلق فعالانه شرکت جویند و آن را به پیش برانند. بدینسان از هم اکنون از میان موج های پیاپی جنبش انقلابی ایران، صدای گام های موزون کارگران را می توان شنید، صدایی که تفسیر ادامه مبارزه تا به آخر وناگزیر به انقلاب تا پیروزی نهایی است.